

عنوان مقاله:

هستی شناسی در کانون پدیدارشناسی رومن اینگاردن

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های هستی شناختی، دوره 6، شماره 12 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

محمد اصغری - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

این مقاله به بررسی جایگاه هستی شناسی در پدیدارشناسی ریالیستی رومن اینگاردن به ویژه در حوزه زیبایی شناسی میپردازد. رومن اینگاردن، پدیدارشناس لهستانی، از شاگردان معروف هوسرل بود که با رویکرد فلسفی استادش در دوره دوم فکری او یعنی ایده آلیسم استعلایی اش مخالفت کرد و معتقد بود که هوسرل در پژوهشهای منطقی رویکرد ریالیستی اتخاذ کرده است حال آنکه در ایده ها به سمت ایده آلیسم استعلایی گرایش مییابد. محتوای کتاب در باب انگیزه هایی که هوسرل را به ایده آلیسم استعلایی سوق دادند دقیقاً همین مساله است. اینگاردن پدیدارشناسی ریالیستی خود را در مقابل پدیدارشناسی ایده آلیستی هوسرل مطرح کرد. مساله ریالیسم/ایده آلیسم و توجه او به هستی شناسی دغدغه مهم اینگاردن در تمامی نوشته هایش است. به نظر او هستی شناسی (در قالب هستی شناسی صوری، مادی و وجودی یا اگزیستانسیال) با متافیزیک یکی نیست و تلقی او از وجود آثار هنری مثل اثر موسیقایی متفاوت است. اینگاردن وجود آثار هنری را از سنخ وجود قصدی (Intentional being) میدانند. به عبارت دیگر، بر این باور است که هستی و وجود این آثار نه عینی اند نه کاملاً ذهنی بلکه وجود یا هستی کاملاً قصدی دارند و لذا از عینیت های قصدی (Intentional Objectivities) برخوردارند. برای مثال، اثر موسیقایی اثری است که وجود قصدی دارد نه وجود واقعی. آنچه را که در این مقاله به مثابه نتیجه محصل به آن دست یافتیم این است که هستی شناسی اینگاردن از سنخ هستی شناسی سنتی نیست که از افلاطون تا هوسرل تداوم یافته و جان کلام وجود یا هستی مدنظر اینگاردن را باید در وجود قصدی یافت که مصادیق چنین وجودی را در آثار هنری تحلیل و بررسی کرده است.

کلمات کلیدی:

هستی شناسی، ریالیسم، ایده آلیسم، وجود قصدی، اثر هنری، پدیدارشناسی و اینگاردن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/796445>

